

تأثیر رسانه‌های جمعی نوین بر شکست نخستین دولت اخوان المسلمین در مصر^۱

معصومه السادات سالکی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

طاهره میرساردو^۲

دانشیار جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

سروش فتحی

دانشیار جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۰

چکیده

تحولات در حوزه ارتباطات و فناوری امروز اغلب جنبه‌های مختلف بشری در حوزه انسانی و اجتماعی و مفاهیم مرتبط با آن را دستخوش تغییر قرار داده است؛ یکی از آثار این دگرگونی بر حوزه قدرت دولت‌ها بوده است؛ اکنون این پرسش به میان آید که رسانه‌های جمعی چه تأثیری بر شکست نخستین دولت اخوان المسلمین در مصر داشتند؟ به نظر می‌رسد که عدم توجه و نادیده انگاشتن تغییرات جهانی در حوزه ارتباطات که از حالت تک‌سویه به چندسویه دگرگون شده است در شکست نخستین دولت اخوان المسلمین مؤثر و معنادار دارد بوده است؛ نتایج تحقیق نشان از آن دارد که رسانه‌های نوین جمعی به جمعیت بالای جوانان در این کشور کمک نموده تا در مقابل سیاست‌های نخستین دولت اخوان المسلمین و رهبران آن مقاومت نمایند؛ بر همین اساس مقاله بامبتنا قراردادن مطالعه اسنادی با روش کتابخانه‌ای و با تحلیل و استفاده منابع موجود، علل شکست اخوان المسلمین را با توجه به اثرگذاری متغیر رسانه و شبکه‌های اجتماعی بررسی نموده است.

واژگان کلیدی: مصر، رسانه، اخوان المسلمین، شبکه‌های اجتماعی، جوانان.

۱- این مقاله استخراج شده از رساله دکتری خانم معصومه السادات سالکی می‌باشد.

۲- (نویسنده مسئول) mirsardoo_t@yahoo.com

مقدمه

رشد فناوری در حوزه رسانه و ارتباطات با ادغام ماهیت فضای مجازی و حقیقی دنیای کوچکی را شکل داده‌اند که بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده است؛ یکی از این موضوعات مهم موضوع ارتباط و تعامل دولت‌ها و افراد در سپهر عمومی جامعه است؛ در حقیقت امروز در مرحله‌ای هستیم که مرحله فزاینده دگرگونی و درهم تنیدگی جهانی واژه و مفاهیم است، نفوذپذیری، فروریزی، زیرذره‌بین بودن دولت‌ها، تغییر تعریف قدرت در جامعه و... همگی به واسطه انقلاب در حوزه ارتباطات و تغییر شکل رسانه‌ها است (Ashok, 2001)؛ به تعبیری امروز ظهور رسانه‌های چند سویه نوین اثرگذاری رسانه از حالت تک سویه خارج نموده و به آن ابعاد همگانی برای همه فرد به فرد افراد جامعه ایجاد نموده است؛ این موضوع سبب درنوردیده شدن مرزهای ملی و دگرگونی در مفاهیم، ارزش‌ها، هویت‌ها، و روابط اجتماعی و سیاسی و حتی اقتصادی شده است و اثر مستقیمی بر قدرت دولت‌ها گذاشته است؛ در واقع رسانه‌های امروز انقلابی را در فنون ارتباطی و اطلاعاتی به وجود آورده است و سبب شکل‌گیری یک نظام ارتباطی جدید مبتنی بر زبان همگانی دیجیتالی بنیاد سپهر عمومی جوامع را چنان دگرگون کرده که هیچ‌گونه انزوا گزینی و کناره‌گیری را بر نمی‌تابد و حتی دورافتاده‌ترین و سستی‌ترین جوامع امکان کنترل قطعی را از دست داده‌اند و مفاهیم دنیا به شدت به یکدیگر نزدیک و به اصطلاح کوچک شده‌اند (Gasiorowski, 2013:89)؛ این موضوع سبب شده خصوصاً نسل جوان که اغلب با کاربرد این رسانه سریعتر آشنا می‌شوند خصوصاً در کشورهایی مانند مصر که جمعیت بالایی جوان دارد؛ زمینه ساز ظهور دو نسل متفاوت باشد یکی کاملاً آگاه با تکنولوژی و دیگر در فضای گذار از رسانه‌های تک سویه و به چند سویه هست؛ این موضوع بر اهمیت و ضرورت مطالعات موردی در این حوزه بیش از پیش می‌افزاید؛ به همین جهت این تحقیق با انتخاب کشور مصر و اثرات رسانه‌های نوین اجتماعی بر شکست اخوان المسلمین تلاش داشته به موضوع جهت دهی و محوریت دهد؛ در همین راستا این پرسش اساسی به میان می‌آید که رسانه‌های جمعی نوین چه تأثیری بر شکست نخستین دولت اخوان المسلمین در مصر داشتند؟ در نگاه نخست به نظر می‌رسد که عدم توجه و نادیده انگاشتن تغییرات جهانی در حوزه ارتباطات که از حالت تک‌سویه به چندسویه دگرگون شده است در شکست نخستین دولت اخوان المسلمین مؤثر و معنادار دارد بوده است و در این میان متغیر شکاف نسلی میان نسل جوان مصر بر نسل رهبران اخوان المسلمین اثر گذارده و زمینه‌ای شده که در برابر نخستین دولت اخوان المسلمین مقاومت نمایند؛ به تعبیری باید اینگونه گفت که نسل رهبران اخوان المسلمین همچنان دیدگاه‌شان نسبت به مسائل و مفاهیم از جمله موضوع رسانه دیدگاهی پل‌گونه است و درحقیقت این نسل همچنان میان تفکر قدیم و جدید در حال رفت و آمد است و همچنان دیدگاهش از حوزه رسانه ارتباط‌های تک‌سویه که دوران نوجوانی و جوانی که در آن زندگی نموده است و همچنان افکارشان درگیر این نکته است که آیا می‌توانند با رسانه نوین ارتباط برقرار نمایند یا خیر؛ همزمان این موضوع برای نسلی از رهبران اخوان که درچنین وضعیتی قرار دارند و به قدرت می‌رسد مشکل‌تر خواهد شد (Abdel-Fattah, 2013)؛ چراکه با نسلی روبروست که نمی‌تواند با رسانه‌های تک بُعدی و تک سویه گذشته ارتباط برقرار نماید و صرفاً شنونده حرف‌ها و سخنان رهبران اخوان المسلمین باشد؛ به تعبیری این نسل اساساً در فضای مجازی و رسانه‌های نوین در حال زندگی کردن است؛ درحقیقت نسلی که در فضای ارتباطی چند

سویه به دنیا آمده و در حال رشد است به بازی کردن در این فضا و قواعد این فضا آشنا شده و از این فضای مجازی به عنوان ابزاری برای پیشبرد برنامه‌ها و اهداف خود استفاده می‌نماید؛ نسلی که یک کنش‌سایبر دارد و حتی اعتراض و اعتراضات سراسری خود در کشور مصر را نیز در محیط سایبر انجام می‌دهد نسلی هست که به مانند نسل گذشته تفکر نمی‌کند و براساس فضای شکل گرفته جدید می‌اندیشد (Ebrahmania and Oruji, 2011:45)؛ بر همین اساس هدف انجام این دسته از تحقیقات یادآوری این نکته که رشد سریع وسایل ارتباط جمعی و کوچک شدن آن‌ها به تمامی حریم‌های خصوصی امن رسوخ نموده و قدرت فناوری و علم، انحصار تک سویه دولت‌ها را در عرصه هدایت افکار عمومی شکسته، معیارهای قدرت و توسعه را دگرگون نموده و به سبب پویایی و تحول‌پذیری وسیع عصر اطلاعات ارزش‌های جدیدی جایگزین ارزش‌های قبلی شده است و نوعی فشرده‌گی زمان و مکان را ایجاد کرده، استعاره‌ای که قبلاً مارکس به آن حذف فضا به وسیله زمان نام داده بود که در آن فضا مفهوم فواصل فیزیکی بین مکان‌ها از اهمیت کمتری برخوردار خواهد بود؛ همان‌گونه انقلاب و پیشرفت‌های فناوری سبب تغییرات در ساختار و فضای جامعه می‌شود؛ زمان لازم نیز جهت ارتباط اقتصادی و غیره کاهش می‌یابد (Hanke, 2013:14). تصویر بیان‌شده به روشی برای فهم جهانی شدن نیز می‌باشد. سه عامل سوادآموزی، صنعتی شدن و شهرنشینی موجبات آگاهی و بیداری سیاسی خصوصاً در نسل جوان را به وجود آورده است.

بر همین اساس مقاله با توجه به اهمیت موضوع تلاش نموده تا تأثیر رسانه‌های جمعی بر شکست نخستین دولت اخوان‌المسلمین در مصر را مورد مذاقه قرار دهد. بنابراین با مبنا قرار دادن روش مطالعه اسنادی با روش کتابخانه‌ای و با تحلیل و با استفاده منابع موجود، علل شکست اخوان‌المسلمین با توجه به متغیر رسانه بررسی نموده است؛ ضرورت دارد که شرح داده شود، در تحلیل داده‌ها شکاف‌های موجود در پیشینه، در دانش و برخی موارد، ضعف‌های نظری را آشکار می‌نماید و برای تعیین نقاط قوت تحقیق بینش کافی را ایجاد می‌کند، پژوهش فوق از آنجایی که در دسته تحقیقاتی قرار می‌گیرد که داده‌ها باید مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند از پیش آماده هستند؛ بنابراین به تحلیل و بررسی ثانویه آنان می‌پردازد؛ لذا محقق می‌تواند نسبت به جمع‌آوری اطلاعاتی که از قبل تهیه شده‌اند و در داده‌های موجود در مورد سوابق عملکرد اخوان‌المسلمین موجود است؛ بهره‌برداری نماید. درحقیقت «پژوهش اسنادی، پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد؛ مانند آرشیوها یا آمار رسمی است»؛ روش در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری از اسناد مرتبط به پیشینه تحقیق و ادبیات موضوع از کتابها و مقالات تخصصی، پایان‌نامه‌ها و جستجو در کتابخانه‌ها، مراکز اسناد و پایگاه‌های اینترنتی بوده و از آنها بهره خواهد برد. بر همین مبنا چرایی سقوط اخوان‌المسلمین متغیر رسانه‌های نوین ذکر شده در بخش نهایی جمع‌بندی و مؤلفه‌های نهایی نیز بیان می‌شود. لیکن از آنجایی که در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و در شکل کلی رشته‌های که با مسائل و پژوهش‌های انسانی روبرو هستند؛ دو متد روش پژوهشی کاربرد دارد که معمولاً باهم به‌کاربرده می‌شود، پژوهش‌های "ایدوگرافیک" و یا "نوموتیک" که موقعیتی میانه‌ای دارند یعنی بدین صورت که پژوهش‌ها در علوم مرتبط با انسان، اغلب محدودیت زمانی و مکانی تعریف می‌شوند و در رشته‌های مرتبط با جامعه و سیاست سنت این گونه است که پژوهش روی یک پدیده صورت می‌گیرد؛ و به یک دوره خاص یا یک دولت و کشور خاص اختصاص دارد؛ بنابراین در حوزه موضوعی به بررسی علل شکست

نخستین دولت اخوان المسلمین پس از روی کار آمدن، بعد از انقلاب مصر از بُعد رسانه‌های نوین جمعی، پرداخته و در حوزه مکانی کشور مصر را مدنظر قرار داده و به لحاظ زمانی تمرکز بر سال‌های پس از تحولات جهان عرب (سال ۲۰۱۱ میلادی) قدرت‌گیری و روی کار آمدن نخستین دولت اخوان المسلمین است. چراکه در میان دولت‌های منطقه خاورمیانه و شمال‌آفریقا مصر اولین دولت اسلامی (اخوان المسلمین) بود که با شکست روبرو شد؛ گرچه کارگزاران سیاسی نظیر اخوان به فناوری جدید احتیاج دارند، ولیکن همین تکنولوژی نوین تبدیل به چالشی عمیق برای آنها شده است و در مصر زمینه‌های سقوط آنان را تسریع نمود؛ ضرورت دارد اشاره شود که در واقعیت امر رسانه‌های نوین با افزایش دادن سطح شناخت و آگاهی بدل به زمینه‌ای شده‌اند که دیگر اطلاعات مهندسی شده از سوی افکار عمومی خصوصاً نسل جوان مقبولیت نداشته و این امر سبب شکسته شدن انحصار دولتی، گروهی و حزبی در مهندسی افکار عمومی و آشکار شدن ناتوانی دولت‌ها خصوصاً دولت‌های اقتدارگرای عرب در مدیریت کشور شده است. این موضوع سبب تقسیم قدرت دولت‌ها شده به شکلی که گروه‌های اجتماعی و نسل جوان با پایگاه قرار دادن رسانه‌های نوین مجازی و فضایی که شخصی در آن رییس نیست، رویدادهای که می‌بیند و افکاری که در درون ذهن خود دارد را به سرعت انتشار می‌دهد و این در محیطی هست که به سرعت همگان این توان را دارند که آن را مشاهده نمایند نظر دهند و به باز نشر آن پردازند. نمونه این توانایی را در سال‌های اخیر همواره در منطقه شمال آفریقا شاهدیم منطقه‌ای که حکومت‌های عرب آن بر منطق زور و بسیج اجتماعی و بحران‌سازی و... استوار هستند و امروز توسط یک عامل قدرتمند رسانه‌ای در حال از دست دادن مشروعیت و حاکم شدن منطق دیگری و آن هم منطق عصر اطلاعات، منطق شبکه‌سازی و آشکارگی قدرت و در نتیجه آن کاهش توان سرکوبگری. دیگر شاهد حاکمیت یک سویه جامعه توده‌ای نیستیم و در عصری قرار داریم که عصر ارتباطات چند سویه هست. (Filiu, 2011:52)

در همین زمینه باید متذکر شد که تحولات صورت گرفته‌ی اخیر در کشورهای عربی خاورمیانه با عنوان‌های تحولات جهان عرب، بهار عربی، بیداری عربی و اسلامی، جنبش اسلامی و... تحولاتی هستند که همچنان سیال وار ادامه دارند؛ لیکن تحقیقات، مقالات و کتابهایی که تاکنون در این زمینه نگاشته شده در مورد ریشه‌ها و دلایل جنبش‌ها، بسترها، ماهیت تحولات، ویژگی‌ها، نوع جنبش‌ها، جایگاه و عملکرد افراد و گروه‌ها، پیش‌بینی‌ها و مواردی از این قبیل می‌باشند. شایان ذکر است که در جهان عرب پژوهش‌های مربوط به حکومت بسیار محدود بوده است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل این امر نفرت و انزجار بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران عربی از دستگاه حکومت است. شاید به این علت که حکومت‌های عربی برخلاف آرزوها و آرمان‌های وحدت‌گرای نویسندگان و پژوهشگران عرب به شکلی پاره پاره و در راستای منافع استعمارگران غربی سر برآورده‌اند. این نویسندگان براین باورند که تحقیق و پژوهش در خصوص حکومت‌های عربی، خود به معنای مشروعیت بخشیدن به آنها خواهد بود. با این حال، بررسی پیشینه تحقیق یکی از فعالیت‌های اساسی در هر پژوهش است که بدون پرداختن به آن، پژوهش نمی‌تواند به درستی صورت گیرد؛ لذا تاکنون در خصوص جنبه‌های مختلف تحولات سال ۲۰۱۱ در جهان عرب، مطالب بسیاری به‌رشته‌تحریر درآمده‌اند؛ اما درباره اینکه «چه عواملی، سبب شکست و یا تغییر رویکردهای اسلام‌گرایان در مصر زمانی که قدرت را تحت اختیار گرفتند و اینکه چرا نتوانستند به رغم سابقه مدید تشکیلاتی و سازمانی در حکومت

موفق عمل نمایند؟ با این تعداد متغیر خصوصاً در مورد نقش رسانه در حوزه اخوان المسلمین کمتر به لحاظ علمی کار شده است؛ در همین زمینه به عنوان نمونه پژوهشی توسط امینی با عنوان "نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحولات غرب آسیا (خاورمیانه)، مطالعه موردی مصر و تونس" که در سال ۱۳۹۱ در نشریه مطالعات عملیات روانی منتشر شده است؛ در این پژوهش اشاره می‌شود که سقوط دولت‌های بن علی و مبارک اثرگذاری رسانه‌های مجازی بر سپهر عمومی جامعه بود؛ در نمونه دیگر از این دسته از مطالعات در این حوزه پژوهشی توسط مرادی و دیگران در سال ۱۳۹۱ با عنوان "نقش رسانه‌های نوین در روند انقلاب‌ها، مطالعه موردی موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی" که توسط نشریه مطالعات عملیات روانی منتشر شده است؛ به این نکته پرداخته است که شکاف‌های اجتماعی و طبقاتی زمینه ساز خشم عمومی شده و این خشم با ابزار رسانه نوین جمعی از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل شده است و این رسانه‌ها بودند که به یاری مردم پرداختند. همچنین در نمونه دیگر "تحولات جهان عرب در جهان عرب" که در سال ۱۳۹۲ در پژوهشکده مطالعات راهبردی منتشر شده است. این پژوهش که شامل چهارده مقاله است و توسط محققان کشور در زمینه تحولات جهان عرب و خیزش‌های مردمی در جهان عرب گردآوری شده است؛ تلاش دارد که این پدیده بزرگ سیاسی- اجتماعی جهان معاصر را از منظرهای گوناگون فکری، اجتماعی و سیاسی بررسی نماید؛ یا در نمونه دیگر ذوالفقاری، پژوهشی با عنوان "تحولات جهان عرب؛ مبانی فلسفی و عملگرایی اسلامی" که در سال ۱۳۹۱ گردآوری شده است. آنچه در این پژوهش و در محورهای مختلف پرداخته شده این که زمینه‌های وقوع تحولات جهان عرب را باید در دگرگونی‌های دینی، سیاسی و اقتصادی کشورهای عربی جستجو کرد که ضمن پیشرفت‌های قابل توجه اقتصادی، نتوانستند گروه‌های دینی و سیاسی و مدنی را در زندگی اقتصادی و سیاسی ادغام کنند. همچنین لازم به اشاره است که به دلیل اینکه پژوهش‌های آکادمیک در مورد وضعیت مصر بعد از بهار عربی خصوصاً به زبان‌های فارسی و انگلیسی بسیار محدود هست و عمده آثار و پژوهش‌ها در حوزه مطالعات حزبی بیشتر به سمت جامعه‌شناسی تاریخی حرکت نموده و اغلب در مورد احزاب دوره ناصری مصر هست، لیکن همین موضوع سبب شده که ادبیات علمی و پژوهشی در این زمینه نیز غنی نباشد؛ مشکل دیگر آثار ژورنالیستی بوده که فاقد تحلیل علمی و از عمق برخوردار نبودند و صرفاً به شرح وقایع پرداخته‌اند؛ گرچه اطلاعات میدانی خوبی در اختیار قرار می‌دهند؛ ولیکن فاقد تحلیل صحیح علمی و دانشگاهی هستند. موضوع دیگر به دلیل ماهیت جناحی و حزبی، اخوان المسلمین در مصر این محدودیت وجود داشته که اطلاعات بعضاً باید چند مرتبه با اطلاعات از دیگر منابع تطبیق داده شود و این از لحاظ زمان پژوهش را با محدودیت مواجه می‌سازد و یا در این مورد نیز گاهی نتوانسته اطلاعات چندانی به صورت دقیق کسب نموده و صرفاً به فعالیت‌ها و اطلاعات در گذشته که دارای نمود عینی و مشابه بوده اکتفا نموده و بر همان اساس به ارزیابی پرداخته شده است.

یافته‌های تحقیق

• کشور مصر

مصر، سرزمین و کشوری است در شمال و شمال شرقی قاره آفریقا که مساحت آن ۱,۰۰۱,۴۴۹ کیلومتر مربع بوده و از دیدگاه وسعت بیست و هشتمین کشور جهان محسوب می‌گردد. در شمال مصر دریای مدیترانه و در شرق آن

دریای سرخ قرار دارد. از سمت جنوب با سودان و از سوی غرب با کشور لیبی همسایه است. البته از ناحیه صحرای سینا به فلسطین نیز مرتبط می‌باشد. پایتخت مصر شهر قاهره است و از دیگر شهرهای مهم آن می‌توان به اسکندریه، اسوان، جیزه، فیوم و پورت سعید اشاره کرد. شهرهایی مانند سلوم، بردیا، سیدی برانی، مطروح و العلمین نیز به سبب وقایعی که طی جنگ جهانی دوم در آن‌ها به وقوع پیوست مشهور گشته‌اند. در شرق و شمال شرقی این کشور شبه جزیره‌ای است که شبه جزیره سینا خوانده می‌شود و تا پیش از سده نوزدهم در قسمتی به خاک مصر پیوسته بود. اما در سده بیستم کانالی حفر کردند که آن را از خاک مصر جدا کرد و دریای سرخ را به دریای مدیترانه پیوند داد. نام آن، کانال سوئز است که ۱۶۸ کیلومتر طول دارد و چون مسیر ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا می‌باشد، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. (Ebrahaminia, 2017:17).



نقشه شماره ۱: کشور مصر در نقشه جغرافیایی (source: <https://geology.com/world/egypt-satellite-image.shtml>)

جمعیت مصر بیش از ۹۷,۰۴۱,۰۷۲ میلیون نفر است که بیشتر آنان در کنار رود نیل زندگی می‌کنند. کرانه‌های رود نیل منطقه‌ای است که ۴۰ هزار کیلومترمربع یعنی حدود ۱/۲۵ (یک بیست و پنجم) که تنها زمین‌های بارور این کشور را تشکیل می‌دهد. بخش عمده این کشور که در مجموع یک میلیون کیلومترمربع وسعت دارد، از بیابان تشکیل شده و جمعیت پراکنده‌ای را در خود جای داده است. حدود نیمی از جمعیت مصر شهرنشین هستند که بیشتر آنان در دو شهر بزرگ قاهره و اسکندریه، دیگر شهرهای دلتای رود نیل^۱ و حومه آن‌ها زندگی می‌کنند و بیش از ۱۲

1. Nile Delta

درصد نیروی کار مصر در بخش گردشگری و شهرهای تفریحی ساحل دریای سرخ فعالیت دارند (Kenn, 2013). اقتصاد مصر یکی از متنوع‌ترین منابع درآمدی را در کشورهای خاورمیانه داراست و بخش‌های گردشگری، کشاورزی، صنعت و خدمات هر یک به نسبتی تقریباً مساوی در تولید داخلی این کشور سهم دارند. همچنین بر اساس آمار یونیسف در کشور مصر ۸۸٪ درصد از جمعیت سنین ۱۴-۲۴ مرد در حال تحصیل می‌باشند و این آمار در میان زنان ۸۲٪ درصد است (unicef.org). تعداد کاربران اینترنت در کشور مصر کشور از ۰,۷٪ درصد در سال ۲۰۰۰ یعنی در حدود ۴۵۰۰۰۰ هزار کاربر به ۳۵,۶٪ درصد در سال ۲۰۱۸ رسیده است یعنی ۳۷,۱۲۲,۵۳۷ کاربر اینترنت که از این تعداد ۱۲,۱۷۳,۵۴۰ (۱۴,۵۰٪) نفر کاربر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بوده است؛ این کشور با جمعیت حدود ۹۷ میلیون نفری دارای تعداد ۹۷,۷۹۱,۴۴۱ خط تلفن همراه است. (www.internetworldstats.com/africa.htm)



نقشه شماره ۲: موقعیت مصر در نقشه جغرافیایی خاورمیانه (source: https://legacy.lib.utexas.edu/maps/middle_east.html)

جدول شماره ۱: تنوع جمعیت مصر

عرب	۸۵ درصد	تنوع قومی
قبطی	۱۰ درصد	
آرامی	۱ درصد	
سامی	۲ درصد	
بربر	۱ درصد	
عربی	۹۷ درصد	تنوع زبانی
فرانسه	۱,۵ درصد	
انگلیسی	۱ درصد	
گوش و زبان محلی مصری	۰,۵ درصد	تنوع دینی و فرهنگی
اسلام	۹۰ درصد	
مسیحیت	۱۰ درصد مسیحی قبطی-ارتدوکس	

source: (<https://www.cia.gov/library>)

جدول شماره ۲: اطلاعات کشور مصر

تعداد کاربران تلفن همراه	تعداد کاربران تلفن ثابت	تعداد کاربران اینترنت	حدود	میلیون	۲۹	میلیون	۱۸	میلیون	۶۶	میلیون	۵۰	میلیون	حدود	۲۷	میلیون	حدود	۲۹	میلیون	۹۷	میلیون
۹۹	۷	۵۰	حدود	۲۹	میلیون	۱۸	میلیون	۶۶	میلیون	۵۰	میلیون	حدود	۲۷	میلیون	حدود	۲۹	میلیون	۹۷	میلیون	
										۱۰		۸								
										نفر		نفر								
										نفر		نفر								

source: (https://www.cia.gov/library)

• جمعیت جوان زیر ۲۵ سال کشور مصر

حدود نیمی از جمعیت کشور مصر زیر ۲۵ سال سن دارند؛ اما این جمعیت از میان سرمایه‌های اجتماعی تنها از سرمایه فرهنگی برخوردار است و از سرمایه اقتصادی و سیاسی برخوردار نیست. این دقیقاً بر خلاف نظام‌های غربی است که هر سه را باهم دارند. در مصر نیز در نتیجه نوسازی شکل گرفته در این کشور خصوصاً در زمان سادات و سیاست‌ها اقتصادی موسوم به «انفتاح» و متعاقباً توسعه بی سابقه نهادهای آموزشی در این کشور، جمعیت جوان رشد و گسترش بی سابقه‌ای یافت (Erle, 2012: 21). این روند در زمان مبارک نیز ادامه یافت و این جمعیت را تبدیل به یک نیروی تأثیرگذار بسیار مهم در تحولات چند دهه اخیر مصر شد. اما پیگیری سیاست‌های نتولیرالی از طرف مبارک و کوچک سازی دولت و نیز افزایش تعداد و حجم جمعیت جوان، دولت دیگر توان پاسخگویی به نیازهای اشتغال و مشارکت سیاسی این جمعیت را نداشت. از این رو، این جمعیت در بازار کار رقابتی محدود غیر دولتی به دنبال شغل بودند (Storck, 2011). همین امر به این جمعیت جوان استقلال سیاسی و اقتصادی داده؛ در نتیجه تبدیل به یک نیروی مخالف دولت شده و در جنبشهای اعتراضی از طریق رسانه نوین اجتماعی متشکل شدند. (جدول ۳)

جدول شماره ۳: ساختار جمعیت کشور مصر و جمعیت زیر ۲۵ سال

* 0-14 ساله 33.29%	
مرد: ۱۶,۷۲۰,۳۰۷	میلیون نفر
زن: ۱۵,۵۸۳,۰۱۹	
* 15-24 ساله 18.94%	
مرد: ۹,۴۶۴,۲۶۲	میلیون نفر
زن: 8,919,614	
* 25-54 ساله 6.۳۷%	
مرد: 18,545,422	میلیون نفر
زن: 17,944,582	
* 55-64 ساله 5.95%	
مرد: 2,861,136	میلیون نفر
زن: ۲,۹۱۱,۵۸۶	
* 65 ساله و بالای آن ۴.۲۲%	
مرد: 1,993,248	میلیون نفر
زن: ۲,۰۹۷,۸۹۶	
جمعیت جوان زیر ۲۵ سال	0-14 ساله: 33.29% درصد
(حدود ۵۰ درصد جمعیت کشور)	* 15-24 ساله: 18.94% درصد

source: (https://www.cia.gov/library)

• شاخص‌های رشد فناوری و ارتباطات و تعداد کاربران در مصر

در یک دهه اخیر تعداد کاربران اینترنت در کشور مصر کشور از ۰,۷٪ درصد در سال ۲۰۰۰ یعنی در حدود ۴۵۰,۰۰۰ هزار کاربر به ۳۵,۶٪ در سال ۲۰۱۷ رسیده است یعنی این کشور یک رشد تقریباً ۵٪,۳۴ را در یک دهه اخیر تجربه داشته است. که از این تعداد ۲۹,۸۰۹,۷۲۴ کاربر اینترنت، تعداد ۱۲,۱۷۳,۵۴۰ نفر کاربر شبکه اجتماعی

فیسبوک بوده است این تعداد به این معنی هست که تقریباً نیمی از کاربران اینترنت در مصر عضو شبکه اجتماعی فیسبوک می‌باشند و تقریباً بیش از یک هشتم جمعیت مصر عضو شبکه اجتماعی فیسبوک می‌باشند یعنی از هر هشت نفر مصری یک نفر عضو شبکه اجتماعی فیسبوک هست. (Ebrahaminia, 2017: 41). و تقریباً یک سوم جمعیت از جمعیت ۸۳,۶۸۸,۱۶۴ مصر کاربر اینترنت می‌باشد یعنی از هر سه مصری یک نفر به اینترنت دسترسی دارد. (حال اگر فرض را بر این بگیریم که هر خانواده به صورت میانگین ۴ نفر می‌باشد که یک استاندارد جهانی می‌باشد تقریباً یک نفر در هر خانواده مصری به طور نسبی کاربر اینترنت بر شمرده می‌شود). همچنین کشور مصر نیز با جمعیت ۷۰ میلیون نفری (سال ۲۰۰۲) تعداد ۴,۴۱۰,۰۰۰ تلفن همراه که تا سال ۲۰۱۱ (سال آغاز تحولات در مصر) رشد ۸۱,۳ را تجربه می‌نماید؛ به طوری که اکنون با جمعیت ۹۷ میلیونی دارای تعداد ۹۹ میلیون تلفن همراه می‌باشد؛ حال اگر در نظر گیریم که از تعداد تلفن همراه اشاره شده فقط نیمی از آن‌ها به جهت انتقال اطلاعات، ارسال پیام اعتراضات و یا تصویربرداری از اعتراضات استفاده شده باشند (Salanova, 2012)؛ مشاهده می‌شود که چه شبکه بزرگی از مردم در مصر مرکز رویدادها بوده‌اند؛ در واقعیت تلفن‌های همراهی که حاضر و مهیا بود، منجر به توییت کردن‌های متعدد و پخش زنده فیلم‌ها از شبکه یوتیوب شد؛ این موضوع با قطع کردن این سرویس به مدت حدود چهار روز توسط اخوان المسلمین به دلیل عدم درک از نسل جوان سبب شد، مردم بیشتری به خیابان‌ها آمده و برای نخستین دولت اخوان المسلمین مشکل ساز شوند که در نهایت به سقوط آنان بینجامد.

جدول شماره ۴: رشد کاربران اینترنت در کشور مصر

سال	تعداد کاربران اینترنت	جمعیت	درصد	گزارش دهنده
۲۰۰۰	۲۵۰,۰۰۰	۶۶,۳۰۳,۰۰۰	0.7%	افریقا تلکام _ ITU
۲۰۰۶	۵,۱۰۰,۰۰۰	71,236,631	۷.۱٪	افریقا تلکام _ ITU
۲۰۰۸	۱۰,۵۳۲,۴۰۰	81,713,517	12.9%	افریقا تلکام _ ITU
۲۰۰۹	۱۲,۵۶۸,۹۰۰	78,866,635	15.9%	افریقا تلکام _ ITU
۲۰۱۲	۲۹,۸۰۹,۷۲۴	83,688,164	35.6%	افریقا تلکام _ ITU
۲۰۱۴	۳۱,۸۱۹,۹۶۶	91,852,056	36.1%	افریقا تلکام _ ITU
۲۰۱۶	44,526,982	94,958,142	42.1%	افریقا تلکام _ ITU
۲۰۱۸	۴۹,۲۳۱,۴۹۳	97,852,352	49.5%	افریقا تلکام _ ITU

source: (<http://www.internetworldstats.com/africa.htm>)

جدول شماره ۵: کاربران مصری در رسانه‌های گوناگون اجتماعی در سال ۲۰۱۸

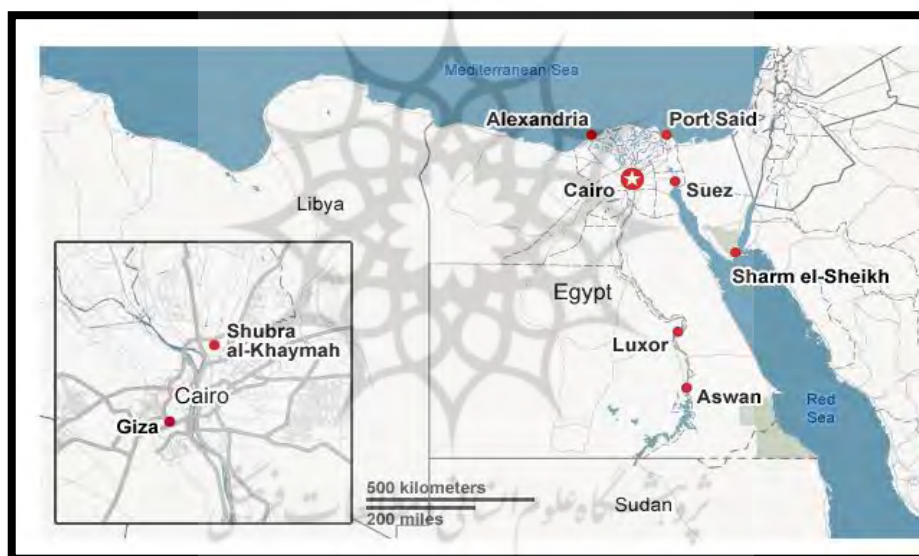
نام شبکه اجتماعی	تعداد کاربران (حدودی)	درصد	گزارش دهنده
فیس بوک	۴۴ میلیون کاربر	۴۶٪	Hootsuite report
یوتیوب	۴۰ میلیون کاربر	۴۰٪	Hootsuite report
واتس آپ	۳۸ میلیون کاربر	۳۹٪	افریقا تلکام ITU
فیس بوک مسنجر	۳۲ میلیون کاربر	۳۴٪	Hootsuite report
اینستاگرام	۳۰ میلیون کاربر	۲۸٪	Hootsuite report
تویتر	۲۰ میلیون کاربر	۲۱٪	Hootsuite report
گوگل پلاس	۲۰ میلیون کاربر	۲۱٪	Hootsuite report
اسکایپ	۱۴ میلیون کاربر	۱۵٪	Hootsuite report
لینکدین	۱۳,۵ میلیون کاربر	۱۴٪	Hootsuite report
وایبر	۱۱ میلیون کاربر	۱۲٪	Hootsuite report
اسنپ چت	۱۱ میلیون کاربر	۱۲٪	Hootsuite report
پین تر است	۹ میلیون کاربر	۱۰٪	Hootsuite report

source: (<http://www.egypttoday.com/Article>)

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

رسانه‌های جمعی نوین عامل شتاب‌زای سقوط نخستین دولت اخوان المسلمین استقبال از رسانه‌های اجتماعی چند سویه در جهان امروزی خصوصاً در جهان عرب از آن‌روست که کاربران اینترنتی می‌توانند برای اغلب نیازهای آنلاین خود در این وب‌سایت‌ها پاسخ مناسب بیابند. در شبکه‌های اجتماعی کاربران می‌توانند پروفایل‌های شخصی برای خودشان بسازند که شامل مشخصات، تصاویر، علاقه‌مندی‌ها و سایر موارد است؛ وجه مشترک گونه‌های متعدد رسانه‌های جدید، مخاطب محور بودن آن‌ها و تولید محتوا توسط افراد استفاده‌کننده است شبکه‌های اجتماعی مجازی محیط مساعدی را برای مشارکت افراد در جامعه مجازی، برقراری روابط نمادین و کشف مجدد خود و بازتعریف هویت‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و... فارغ از محدودیت‌ها و عوامل سرکوب‌کننده از طریق تعاملات مجازی و نمادین فراهم می‌نمایند (Steinvort, 2012:63). در واقع استبداد در جهان عرب سبب شده بود که جامعه به سمت پنهان‌کاری تمایل پیدا نماید و فرهنگ نیز به رسمی و آشکار و فرهنگ غیررسمی و غیر آشکار، تقسیم گردد؛ ساکنان سرزمین استبداد، به بازیگرانی با نقاب و صورتک‌های دروغین تبدیل می‌گردند که در لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی، پنهان می‌شوند و هر شخص، الزاماً آن نیست که نشان می‌دهد؛ بنابراین در چنین فضایی اینترنت از یک سو آگاهی افراد را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر آن‌ها را در مناسبات سیاسی درگیر می‌نماید؛ چراکه دسترسی سریع و آسان و کم‌هزینه به شبکه‌های اجتماعی مجازی، همچنین امکان درج نظر و اخبار در هر لحظه و مشاهده انعکاس نظرات کاربران، نداشتن مخاطرات و هزینه‌های بحث‌های رودررو، در نتیجه به عرصه‌ای برای گفتگو تبدیل شود. اصطلاح انقلاب‌های فیس‌بوکی و توییتری ترکیب جدیدی است که به‌تازگی وارد ادبیات سیاسی و جامعه‌شناسی شده است؛ به‌سادگی می‌توان دریافت که این ترکیب، ریشه در رخدادهای اخیر خاورمیانه دارد که از تونس و مصر آغاز گردیده و غالب جهان عرب را در بر گرفته است؛ آنچه در این تغییرات انکارناپذیر بود، تأثیر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در اطلاع‌رسانی، سازمان‌دهی و گسترش سریع تحولات در کشورهای منطقه بوده است. تحولات منطقه خاورمیانه این واقعیت را آشکار کرد که فناوری‌های جدید از قبیل اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای جدید موبایل، در گسترش سریع و پایدار تغییرات اجتماعی مؤثر بودند. تحولات جهان عرب نه تنها سال‌های دیکتاتوری را به چالش کشید بلکه مردم را توانمند نمود تا مقتدرانه از فناوری‌ها و رسانه‌های جدید برای ایجاد ارزش‌های مشترک و حمایت از انقلاب استفاده کنند. همچنین این صحیح است که انقلاب در قاهره از یک صفحه فیس‌بوک منتشر شد و گسترش یافت اما باید در نظر داشت مردم به خاطر حق خود برای تعیین سرنوشت و برای مقابله با رژیم اقتدارگرا به خیابان‌ها آمدند؛ در واقع تراکم انواع بحران‌ها در جهان عرب از قبیل بحران اجتماعی، معیشت، هویت، مشروعیت و کارآمدی، سبب به وجود آمدن تحولات انقلابی در این کشور شد؛ لذا این شهروندان هستند که تحول و تغییر را ایجاد می‌نمایند و نه ابزارها؛ بلکه رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نقش مؤثری در پیوند و سازمان دادن شهروندان جهان عرب داشته و موتور محرک انقلاب بوده‌اند؛ چراکه جوامع اسیر دیکتاتوری نظیر مصر از پیوند و سازمان ضعیف اجتماعی رنج می‌بردند (Eltantawy, 2011). پیوندهایی که حاکمیت اساساً اجازه تشکیل آن‌ها را نمی‌داد؛ اما زمانی که سرکوب احزاب و نهادهای جامعه مدنی هرگونه امید شهروندان را برای تشکیل ارتباطات از بین برده بود، ناگهان رسانه‌های چند سویه

با شبکه‌های قدرتمند خود از راه رسیدند؛ از همین روی با گسترش اینترنت در کشورهای عرب منطقه خاورمیانه، شبکه‌های اجتماعی و دیگر قابلیت‌های آن به پدیده‌ای جوان‌پسند و جامعه‌پذیر تبدیل شدند؛ این شبکه‌ها در ابتدا کارکرد اجتماعی داشتند اما به تدریج و با گذشت زمان به دلیل اعمال محدودیت از سوی حاکمان عرب بر آن، به ابزاری سیاسی تبدیل شدند (Varol, 2012)؛ لذا شاهدیم در جریان سقوط مبارک و سپس جنبش تمرد بر علیه اخوان المسلمین در شبکه‌های اجتماعی به نوعی روح جمعی را در شهروندان تقویت نموده و باهم بودن در دنیای مجازی سبب تنها نماندن در میدان التحریر شد. بنابراین این شکل از رسانه‌ها تحولات فاقد رهبر و کاملاً مردمی از پایین به بالا را رقم زد و روند تحولات منطقه را تسهیل و تسریع نمود در این زمینه باید اشاره کرد که توماس فریدمن، در مورد اهمیت شبکه‌های اجتماعی "به عنوان مسجد مجازی در مقابل مساجد انقلاب اسلامی ایران یاد می‌کند". (Filiu, 2011) لیکن از آنجایی که زنان و مردان جوان مصری اغلب از طبقه متوسط جدید این کشور هستند که اغلب نیز دارای تحصیلات عالی دانشگاهی می‌باشند؛ موفق شده‌اند از طریق بستر رسانه نوین اجتماعی بدل به یک نیروی مخالف در مصر شوند.



نقشه شماره ۳: شهرهای مصر و پایتخت قاهره که بیشترین اعتراض نسل جوانان بر علیه نخستین دولت اخوان المسلمین انجام گرفت.

source: (<https://www.cnn.com/world/africa/egypt-soccer-deaths/index.html>)

جدول شماره ۶: نسل جوان و مطالبات آنان

نسل جوان	نوع مطالبات	میزان پاسخگویی اخوان المسلمین	نحوه اعتراض جوانان
مردان جوان	* همکاری در ساختار سیاسی و اجتماعی * آزادی * شغل * رفاه * رفع فساد و تبعیض	در هیچ یک از موارد اخوان المسلمین عملکرد مثبتی از خود نشان نداد. میزان پاسخگویی صفر درصد بوده است.	بیان اعتراضات در شبکه اجتماعی فیس بوک ساخت موسیقی با مضامین اعتراضی و پخش در شبکه یوتیوب
زنان جوان	* افزایش سهم حضور در پارلمان و دولت * رفع قوانین تبعیض آمیز * رفع قوانین ضد زن * ایجاد امنیت اجتماعی بر زنان	در هیچ یک از موارد اخوان المسلمین عملکرد مثبتی از خود نشان نداد. لیکن حتی قوانینی که در دوره ریاست جمهوری مبارک تصویب و اجرایی شده بعضاً حذف نمود. میزان پاسخگویی صفر درصد بوده است.	ساخت کلیپ در دانشکده‌ها و پخش آن در یوتیوب ساخت انیمیشن و پخش آن در پیام رسان فیس بوک

(source: authors)

نتیجه گیری و دستاوردهای علمی و پژوهشی

مردم و جوانان مصر به‌عنوان کنشگران اصلی تحولات جهان عرب هسته اصلی تغییرات را به وجود آوردند ولی پس از تحولات آن‌ها و خواسته‌هایشان به بر موج سیاسی به وجود آمده به فراموشی سپرده شد. جوانان مصری که بانگیزه نان، عدالت، عزت - کرامت و آزادی قیام را علیه حاکمان استبدادی (بن‌علی و مبارک) و سپس حزب تمامیت خواه اخوان المسلمین آغاز نمودند؛ پس از سقوط دیکتاتورهای عرب به حاشیه رانده شدند. عدم نهادسازی سیاسی توسط جوانان سبب شد که دیگر گروه‌ها وارد عرصه رقابت در فضای سیاسی شوند و در مصر اخوان المسلمین توانست با سازمان‌دهی که ۸۰ سال از آن می‌گذرد قدرت سیاسی را تحت اختیار بگیرد؛ لیکن ورود گروه‌های سیاسی دارای سابقه، نخست فضای کنش سیاسی از مردم خصوصاً جوانان گرفته و سپس به دلیل اختلافات ارزشی میان گروه‌های متضاد فضا میان نخبگان سیاسی به سمت در اولویت قرار گرفتن خواسته‌های گروهی به پیش برود و عملاً علت‌های اصلی تحولات در جهان در فضای سیاسی حکومت به فراموشی سپرده شود (Abdalla, 2014)؛ بنابراین شاهدیم که یک سال پس از تحولات در جهان عرب نخست در مصر جنبش ترمرد مجدداً توسط جوانان با همان روش قبلی یعنی کنش در فضای مجازی شکل می‌گیرد، لذا یک‌بار دیگر جنبش در فضای مجازی شکل می‌گیرد و پتانسیل تظاهرات خیابانی در مصر ایجاد می‌شود؛ در واقع این دوره در مصر ارتش از پتانسیل ایجادشده در جامعه علیه اخوان به نفع منافع خود استفاده نموده و مسیر تحولات به سمت خواسته‌های موردنظر سوق می‌دهد. متوجه این موضوع می‌شود که باید در جامعه‌ای بازی سیاسی انجام دهد که خواسته‌های آن به‌شدت متکثر شده است لذا به جهت حفظ موقعیت و باقی ماندن در بازی باید تن به قواعد بازی در جامعه متکثر با شکاف‌های قطبی شده بدهد. بنابراین بی‌ثباتی همچنان تبدیل به عامل پایدار شده است؛ نکته دوم به دلیل اینکه مجدداً طبقات اجتماعی (مردم و جوانان) همچنان در بازی سیاسی شرکت ندارد؛ لذا این پتانسیل همچنان مصر همچنان باقی هست که هر زمان شاهد اعتراضات گسترده دیگری باشیم؛ لیکن تا زمانی که جوانان و مردم پتانسیل کنش سیاسی ایجاد نمود، ولی سازمان سیاسی ایجاد ننموده به‌مانند گذشته از پتانسیل ایجادشده آنان سوءاستفاده خواهد و چرخه معیوب ادامه می‌یابد؛ اما باید مدنظر داشت این چرخه قرار نیست همیشه پایدار بماند و باگذشت زمان از سوی مردم تاکتیک و کنش سیاسی تغییر خواهد نمود. بر همین اساس یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فرضیه تحقیق با متغیرهای مطرح شده در نسبت تأثیر معناداری دارند و مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول شماره ۷: نسبت تحقیق با پژوهش‌های گذشته

* فرضیه تأیید شده	وضعیت	نسبت آن با پژوهش‌های گذشته
۱ به نظر می‌رسد نادیده انگاشتن نقش زنان و مردان جوان زیر ۲۵ سال و عدم درک و شناخت نسل رهبران اخوان المسلمین از رسانه‌های نوین اجتماعی زمینه‌های اعتراض بر علیه آنان را فراهم نمود.	معناداری فرضیه تأیید شده است.	پژوهش‌های امینی (۱۳۹۱) و مرادی (۱۳۹۱) و ابراهیم نیا (۱۳۹۳) را مورد تأیید قرار می‌دهد ولی پژوهش‌های اف. گرگوری گاز، محمد العجاتی، احمد محمدابوزید، جاناتان براون، سارا فیلیپس و عبدالرحیم منار سلیمی و افرادی دیگر نیز دارای تفاوت معنادار است.

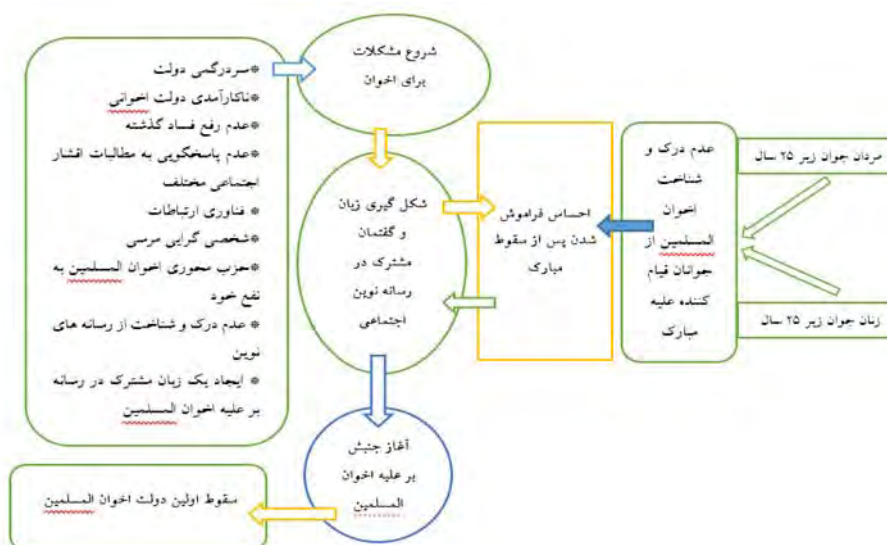
(source: authors)

همچنین لازم به ذکر که یافته‌های پژوهش درمورد متغیر نقش رسانه با تحقیقات امینی (۱۳۹۱)، مرادی (۱۳۹۱) و ابراهیم نیا (۱۳۹۳) را مورد تأیید قرار می‌دهد و ارتباط معنایی برقرار می‌نماید؛ ولی با مطالعات اف. گرگوری گاز، محمد العجاتی، احمد محمدابوزید، جاناتان براون، سارا فیلیپس و عبدالرحیم منار سلیمی (۲۰۱۶) نیز دارای تفاوت

معنادار هست. همچنین در مورد متغیر عدم درک و شناخت احزاب و رهبران اخوان المسلمین از نسل جوان با پژوهش‌های پورسعید (۱۳۹۲)، فیلیو (۲۰۱۲) و نوروزی (۱۳۹۰) دارای ارتباط معنایی است، ولی با مطالعات «راث‌هانا» و «سانتینی» (۲۰۱۶) و محمدعمار (۱۳۹۱) نیز دارای تفاوت معنادار هست. همچنین یافته‌های توصیفی - استنباطی پژوهش نشان می‌دهد که بر طبق نظریات به نظر می‌رسد که عدم توجه و نادیده انگاشتن تغییرات جهانی در حوزه ارتباطات که از حالت تک‌سویه به چندسویه دگرگون شده است در شکست نخستین دولت اخوان المسلمین مؤثر و معنادار دارد بوده است؛ نتایج تحقیق نشان از آن دارد که متغیر جمعیت جوان مصر بر متغیر سن رهبران اخوان المسلمین اثر گذارده و از طریق بهره‌گیری از رسانه نوین اجتماعی در برابر سیاست‌های دولت مرسی مقاومت نمودند و جنبش تمرد را بر علیه اخوان المسلمین شکل دادند؛ همچنین لازم است که بیان شود دولت ضعیف مرسی، توانایی یا اراده لازم را برای ایجاد تحول و پیشبرد سیاست‌های انقلابی در جامعه شبکه‌ای (قدرتمند) مصر، با توجه به نقش روزافزون رسانه نوین اجتماعی و درک این شکل از سطح ارتباطات را نداشت؛ در نتیجه، مقاومت جامعه شبکه‌ای خصوصاً از طریق بستر رسانه‌های نوین اجتماعی زمینه‌های و ازدست‌رفتن کنترل اجتماعی از سوی نخستین دولت اخوان المسلمین را شکل داد و موجب سرنگونی دولت اخوان شد.

در خاتمه باید اشاره شود زمانی رسانه‌های نوین جمعی شکاف نسلی میان اخوان المسلمین و نسل جوان مصر زدند که اخوان المسلمین هنوز به قدرت شبکه‌های مجازی و رسانه‌های جدید اعتقاد نداشت و زمانی که مبارک در حال سقوط بود رهبران اخوانی بسیار دیر هنگام به جریان تحولات پیوستند و زمانی هم که پیوستند تلاش نمودند که آن را به سمت منافع خودشان هدایت نمایند و در ماه‌های پس از انقلاب، اخوان تلاش زیادی نمود تا خود را به‌عنوان بازیگری مسئول و متعهد مطرح نمایند. اما مشکل آنجا بود که همچنان درک مناسبی از رسانه‌های جمعی نداشتند و چندی بعد نیز نخستین دولت آنها سقوط نمود؛ گرچه پیروزی محمد مرسی که امیدهای زیادی برای اخوان المسلمین ایجاد کرد، اما به دلیل همین شکاف نسلی خصوصاً در حوزه نقش‌های رسانه‌های نوین به نتیجه‌ای مطلوب منتهی نشد؛ چراکه تحولاتی که با این عظمت در حوزه رسانه ساختار قدرت را به شدت دچار اختلال نموده بود و دلیل آن نیز روشن است عدم تطبیق ثمرات فناوری جدید با عملکرد فرآیند سیاسی خواه در دولت، تجارت، خانواده، غالباً موجب ناآرامی، تحول نظام‌های ارزشی و گاه بروز انقلاب شده است؛ موضوعی که در عمل دولت محمد المرسی به مانند سلف گذشته‌اش مبارک از آن نداشت (Ebrahmania and Oruji, 2016:84)؛ در حقیقت آگاهی روزافزون جامعه و دانش همواره قدرت را به کسانی منتقل نموده است که آن ابزار را در دست داشته‌اند و نحوه کاربرد آن ابزار و فناوری را می‌دانسته‌اند. گسترش و انتشار اطلاعات در میان بخش عظیمی از مردم زمینه ساز و منادی تغییر ساختار قدرت شد و این امر امروز بیش از هر زمان دیگری صادق است. سقوط نخستین دولت اخوان المسلمین این موضوع را ثابت نمود که رسانه‌های جمعی نوین زمینه ساز شبکه‌ای شدن انسان‌ها بیش از گذشته شده است؛ زمانی این شبکه، شبکه راه‌های زمینی بود و زمانی راه‌های دریایی و زمانی نامه نگاری از طریق نامه و سیستم پستی بود با پیشرفت بشر این شبکه بیش از پیش تقویت شد و نه تنها شبکه‌های ایجاد شده قبلی از میان نرفت بلکه شبکه‌های جدید دیگری به آن اضافه شد. در جریان اعتراضات چه بر علیه دولت مبارک و چه بر علیه نخستین دولت اخوان المسلمین جوانان این کشور از تمامی این شبکه‌ها استفاده نمودن از شبکه رسانه‌های نوین بر بستر فضای اینترنت و

ارتباط‌های چندسویه تا شبکه‌های پیشین مانند شبکه رانندگان تاکسی و سندیکاهای کارگری؛ در واقع امروز در عصر زندگی می‌کنیم که اگر چنانچه کارگزاران سیاسی در رأس قدرت برنامه ریزی و استراتژی برای فضای رسانه و شبکه‌های مجازی نداشته باشند نخستین ضربه را خود خواهند خورد؛ امروزه کنشگرایان سایبر از رسانه‌های جدید به گونه‌ای مؤثر برای ابراز عقاید، دانش خود به لحاظ سیاسی، آگاه کردن دیگران از سوء استفاده‌های حکومت، سازماندهی اعتراضات و کنش‌های مقاومتی برعلیه رژیم اقتدارگرا، و تضمین اینکه صدای آنها شنیده می‌شود و روایت آنها گفته می‌شود، استفاده می‌نمایند؛ لیکن نقطه اشتراک در همه این اعتراض‌ها رسانه‌ها جدید و فضاهای مجازی بوده است و در سطح کلان اغلب آنها دو ویژگی عمده را در این حرکت‌های اعتراضی دارند؛ نخست، عدم وجود رهبری و شخصیت کاریزماتیک در هدایت اعتراض‌ها؛ دوم، ویژگی استفاده گسترده از رسانه‌های ارتباطی و فضای مجازی برای سازماندهی اعتراض‌ها می‌باشد. در واقع رشد تکنولوژی کمک می‌نماید که اطلاعات از حالت یک بُعدی خارج شده و تبدیل به حالت چند بُعدی شود و زمینه‌ای فراهم آید که افراد در جوامع دارای صدا و قدرت شوند؛ در واقعیت این خیزش‌ها شهروندان را در بحث اطلاع رسانی به رسمیت شناخت و دیگر خبرگزاری منبع خبرشان فقط خبرنگارانشان نبودند، این شبکه‌ها عامل اتحاد مردم و مرگ سانسور شدند در این میان دولت‌هایی مانند اخوان المسلمین که خود را با نتایج فناوری‌های جدید تطبیق ندادن ضعیف شدن زیرا ابزارهای خود را یک به یک به رقیب واگذار می‌کنند (Abdalla, 2014). مردم این منطقه نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و انجام اصلاحات جدی داشتند و این زبان مشترک در رسانه نوین جمعی و شبکه‌های مجازی شکل گرفت و روند رو به رشد توسعه این دسته از رسانه‌ها و گسترش شبکه‌های مجازی به آنها کمک نمود که از کاستی‌های دولت خود با خبر شده و عامل بسیج آنان شوند این تأثیر به حدی بود که برخی از صاحب نظران به نقش کلیدی رسانه نوین جمعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی اشاره کردند (شکل شماره ۱ تحقیق). در حقیقت تعامل دو عنصر سازنده اجتماعی در این ساختار یعنی شبکه‌های ارتباطی، اثر ارتباطات یا همان مخاطب در بافت و متن اجتماعی سبب درهم تنیدگی این دو عنصر شد و در فرآیند فوق تبدیل به عاملی شتاب‌زا شد و در واقعیت نشان داد که هرچه گستردگی بیشتر باشد نقش شبکه‌های مجازی در شکل واقعیت و میزان اهمیت آن بیشتر است این گستردگی در خیزش‌های عربی توسط هویت عربی این منطقه و زبان مشترک عربی ایجاد شد و سبب ایجاد نوعی رابطه مستقیم و همبستگی شد و رسانه‌های نوین جمعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی این زمینه فکری را برای آنها ایجاد کرد که نشر افکار را از انحصار نخبگان سیاسی خارج و آن را به مردم عادی و کنشگران سیاسی در قاعده هرم اجتماعی واگذار کرد. روندی برگشت ناپذیر که همچنان امروز به فرآیند خود ادامه می‌دهد به طوری که سازمان‌ها و نظام اجتماعی بدون به کارگیری مظاهر و نموده‌های آن به سختی می‌توانند به حیات خود ادامه دهند ظهور جامعه اطلاعاتی، رسانه‌های نوین و شبکه‌های مجازی سبب شده که امکان پردازش اطلاعات، برقراری ارتباطات و کنترل کلیه جنبه‌های زندگی جامعه و رفتار اجتماعی فراهم شود و اغراق نیست که امروز بگوییم که رسانه‌های نوین جمعی و شبکه مجازی مرتبط با آن در مسیر و جریانی قرار گرفته‌اند که دیگر بازگشتی در آن نیست.



شکل شماره ۱: متغیرهای و عوامل شتاب‌زا شکل‌گیری زبان مشترک در رسانه‌های نوین اجتماعی در میان متغیرهای و فراهم شدن شکاف نسلی زمینه‌ساز شکست اولین دولت اخوان المسلمین

source: authors

References

- Abdel-Fattah Mady, (2013) "Egypt troubling transition to democracy," Center for Middle East ... World," Indiana Journal of Global Legal Studies, Vol. 20, Issue 1.
- Abdalla, Rasha, (2014), "Egypt's Media in the Midst of Revolution" Carnegie of Middle East Center, July 2014_ http://carnegie-mec.org_egypt-s-media-in-midst-of-revolution
- Ashok swain (2001), social networks and social movements using northern tools to evaluate southern protests. department of peace and conflict research. uppsala university.
- Ebrahaminia, Hossein (2017), Tunisia and Egypt in turbulence, Tehran, Aser Danesh Mad Publishing [In Persian].
- Ebrahaminia, Hossein, Oruji, Monireh (2016), "Virtual Social Networks in the Age of Globalization", Tehran, Proceedings of the International Conference on Islamic Identity and Globalization, Tehran, Institute of National Studies, University of Tarbiat Modarres University [In Persian].
- Ebrahaminia, Hossein, Oruji, Monireh (2011), Virtual networks in the age of globalization; Recent developments in the Arab Middle East; Tehran; Articles on Islamic identity and globalization [In Persian].
- Eltantawy, Nahed and Julie B. Wiest. (2011), "Social Media in the Egyptian Revolution: Reconsidering Resource Mobilization Theory", High Point University International Journal of Communication 5. 8036/2011FEA1207.
- Erle, Jakob and... (2012), "Political Culture in Egypt: The Political Values and Norms of the Voters", the Danish-Egyptian Dialogue Institute; Al-Ahram Center for Political & Strategic Studies.
- Filiu, Jaen-Pierre (2011), "The Arab Revolution", London: Hurst Company.
- Gasiorowski, M. (2013), "The Government and Politics Middle East and North Africa", London: Westview Press.
- Hanke, steve (2013), "morsi's financial legacy: black market and a shameful economic record". Financial post. july 9.
- Kenn, David (2013). "insider accounts are shedding newlight on the 18 days that brought down a pharaoh". Foreign policy. January 24, 2013.
- Philo, Pierre (Jean) (2015), Arab Revolution, translation: Hossein Ebrahaminia and Monireh Oruji, Tehran, Ganjineh Naroon Publishing [In Persian].
- Salanova, Regina. (2012), "Social media and political change: The case of the 2011 revolutions in Tunisia and Egypt", Barcelona: Institute Catala International Per la Pau.
- Steinvort, Danial (2012), "God have mercy upon us: Egypts choice between Islamism and the old-guard". Spiegel.de. june,12,2012.

Storck, Madeline. (2011), The Role of Social Media in Political Mobilisation: a Case Study of the January 2011 Egyptian Uprising, at the University of St Andrews, Scotland, Available at: www.culturaldiplomacy.org/.

Varol, ozano, (2012), "the democratic coup d'etat". Harvard International law journal. vol,53. number2.

<http://happylife.id/content/img>

<http://www.egypttoday.com/Article>

<http://www.internetworldstats.com/africa.htm>

<http://www.unicef.org/>

<https://geology.com/world/egypt-satellite-image.shtml>

https://legacy.lib.utexas.edu/maps/middle_east.html

<https://www.cia.gov/library>

https://www.cnn.com_world/africa/egypt-soccer-deaths/index.html

